

# گذشته، حال و آینده‌ی اتحادیه‌های کارگری



کارل مارکس

## فهرست

الف: گذشته‌ی اتحادیه‌های کارگری

ب: شرایط کنونی اتحادیه‌های کارگری

ج: آینده‌ی اتحادیه‌های کارگری

ترجمه: کامران نیری

نخستین بار در «کتاب پژوهش کارگری» شماره‌ی پنجم درج شده است.

بازنویس: یاشار آذری

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب‌خانه: <http://www.nashr.de/>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳

متن زیر در اولین کنگره ی انجمن بین المللی کارگران (بین الملل اول) تصویب شد. این کنگره در سپتامبر ۱۸۸۶ در شهر ژنو سوئیس برگزار شد. این متن به عنوان یکی از رهنمودهای کنگره به نمایندگان توسط کارل مارکس به زبان انگلیسی تهیه شده بود. آن چه که در پرانتز می آید از مترجم است.

### الف: گذشته ی اتحادیه های کارگری

سرمایه نیروی اجتماعی متمرکز است، در حالی که فرد کارگر تنها نیروی کار کردن (نیروی کار) اش را برای واگذاری (به دیگری) در اختیار دارد. از این رو قرارداد ما بین کار و سرمایه هرگز نمی تواند مبنای عادلانه داشته باشد؛ حتی به مفهوم رایج در جامعه ای که مالکیت وسایل زندگی و کار را در یک سو و انرژی تولیدی حیاتی را در مقابل آن قرار می دهد. قدرت اجتماعی کارگران در تعداد آن هاست. اما این قدرت ناشی از تعداد، به دلیل پراکندگی از هم پاشیده شده است. عدم اتحاد کارگران از رقابت اجتناب ناپذیر بین خودشان به وجود آمده و تداوم پیدا می کند.

ابتدا اتحادیه های کارگری از تلاش خود به خودی کارگران برای از بین بردن یا حداقل محدود کردن رقابت مابین خودشان تشکیل شدند تا در (عقد) قرارداد (میان کارگران و سرمایه داران) به شرایطی دست یابند که آن ها را حداقل در وضعیتی فراتر از بردگان قرار دهد. از این رو هدف فوری اتحادیه های کارگری دست یابی به نیازهای روزمره بود تا چون ابزار مسدود کردن راه دست اندازی های بی امان سرمایه عمل کند: در یک کلام مسایل دستمزد و زمان کار. این (نوع) فعالیت اتحادیه های کارگری نه تنها مشروع که لازم اند. تا زمانی که نظام تولیدی حاضر ادامه دارد، نمی توان این

فعالیت‌ها را کنار گذاشت. برعکس، لازم است تا از طریق ایجاد و ادغام اتحادیه‌های کارگران در کشورهای مختلف این فعالیت‌ها فراگیر شود. از سوی دیگر، بدون این‌که کارگران خود به خود متوجه باشند، اتحادیه‌های کارگری مراکزی برای تشکل طبقه‌ی کارگر به وجود آورده‌اند، همان‌گونه‌که انجمن‌های شهر و کمون‌های قرون وسطی (به عنوان مراکز تشکل) برای طبقه‌ی متوسط عمل کردند. اگر به اتحادیه‌های کارگری در جنگ و گریز ما بین کار و سرمایه احتیاج است، وجود آن‌ها به عنوان عاملین تشکل برای فراسوی رفتن از نظام کارمزدی و حکومت سرمایه پُراهمیت‌تر است.

### ب: شرایط کنونی اتحادیه‌های کارگری

اتحادیه‌های کارگری به دلیل توجه مفرط به مبارزات محلی و مقطعی با سرمایه، هنوز کاملاً به قدرتشان در مقابله با تمامیت نظام بردگی مزدی پی نبرده‌اند. از همین رو آن‌ها از جنبش‌های اجتماعی و سیاسی فاصله گرفته‌اند. اخیراً به نظر می‌رسد که آن‌ها تا حدی به نقش تاریخی خود پی برده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از شرکت آن‌ها در جنبش سیاسی اخیر انگلیس، مواضع جامع‌تر در ایالات متحده، و مصوبه‌ی زیر که در کنفرانس بزرگ اخیر نمایندگان اتحادیه کارگری در شهر شیفیلد (انگلیس) به تصویب رسید یاد کرد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - کنفرانس شیفیلد در روزهای ۲۱-۱۷ ژوئیه سال ۱۸۶۶، با شرکت ۱۳۸ نماینده از اتحادیه‌های کارگری که ۲۰۰ هزار کارگر را دربر می‌گرفتند، تشکیل شد. طی سال‌های ۶۸ - ۱۸۶۵ اتحادیه‌های کارگری در بریتانیا به مبارزه برای تعمیم حق رای پیوستند. در سال ۱۸۶۱ رویارویی‌ای بین ایالات جنوبی و حکومت فدرال ایالات متحده صورت گرفت. ایالات جنوبی که از بردگان برای تولید تجاری به ویژه تولید پنبه استفاده می‌کردند، خواهان جدایی از ایالات متحده شدند تا بتوانند برده‌داری را حفظ کنند. اتحادیه‌های کارگری

" این کنفرانس، با قدردانی از کوشش های انجمن بین الملل (کارگران) برای ایجاد اتحاد از طریق پیوند مشترک برادری میان کارگران همه ی کشورها، در کمال جدیت به انجمن های گوناگونی که در این جا نمایندگی شده اند توصیه می کند که به این تشکیلات ملحق شوند زیرا که باور داریم این امر برای پیشرفت و شکوفایی تمامی جماعت کارگری اساسی است."

### ج: آینده ی اتحادیه های کارگری

جدا از اهداف اولیه اشان، اتحادیه های کارگری باید بیاموزند که آگاهانه به عنوان مراکز تشکیلاتی طبقه ی کارگر در جهت منافع وسیع تر و آزادی او عمل کنند. آن ها باید به هر جنبش اجتماعی و سیاسی که در این جهت عمل می کند یاری برسانند. خودشان را مدافعان و نمایندگان کل طبقه ی کارگر دانسته و این چنین هم عمل کنند و از تلاش برای پیوستن کارگران غیرمتشکل به صفوف خود کوتاهی نورزند. آن ها باید به دقت حافظ منافع کم درآمدترین حرفه ها، چون کارگران کشاورزی، و آنان که به خاطر شرایط استثنایی از قدرت تهی هستند، باشند. آن ها باید جهانیان را قانع کنند که تلاش هایشان تنگ نظرانه، و خودخواهانه نیست و با هدف رهایی توده های میلیونی ستمدیده انجام می شود.

کارل مارکس

۱۸۶۶

---

در شهرهای شمالی و مناطق هم مرز با ایالت جنوبی به سازماندهی جلسات و تظاهرات علیه برده داری و خواست جدائی ایالات متحده جنوبی مشغول شدند. طی جنگ داخلی (۱۸۶۱-۶۵) اتحادیه های کارگری جدیدی به وجود آمدند و به مبارزه برای ۸ ساعت کار در روز دامن زدند.